

حمله رژیم فاشیستی و تجاوزگر و جنگ طلب اسرائیل به کشور ایران

در سحرگاه روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (برابر با ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) رژیم فاشیستی و تجاوزگر و جنگ طلب اسرائیل در ادامه جنگ‌های خود در نوار غزه، لبنان و یمن چهارمین حمله خود را به خاک ایران از سرگرفت و جدای زدن مراکز مسکونی، به تاسیسات هسته‌ای و مراکز نظامی تعدادی از فرماندهان سپاه و دانشمندان هسته‌ای را ترور کرد.

علاوه بر شهر تهران، به شهرهای کردستان، اورمیه، کرمانشاه، قصر شیرین، خرم آباد، ایلام، دهلران، سندج، همدان، سردشت، بانه و تبریز نیز حمله کرد. طبق اعلام رسمی، محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سرلشکر پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران، سرلشکر غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا، محمد مهدی طهرانچی و فریدون عباسی که خبرگزاری ایرنا از آنها به نام دانشمندان هسته‌ای کشور نام برده است، ترور شدند.

بنابر نوشته نیویورک تایمز اسرائیل حداقل به شش پایگاه نظامی در اطراف تهران، از جمله پارچین و منازل مسکونی در دو مجتمع بسیار امن برای فرماندهان نظامی و چندین ساختمان مسکونی در اطراف تهران حمله کرد، که به نظر می‌رسد، ترور هدفمند بوده است.



☀️ ۱۰۴ دموکراسی و آزادی

☀️ سرمقاله - اعتصاب و اعتراض کامیونداران، کامیونرانان در ۱۶۳ شهر ایران

☀️ ۲۸ تفسیر سوره شوری

☀️ سخن روز - بحران ناترازی برق، آب، گاز، بنزین و غیره رژیم مطلقه فقه‌ای

☀️ ۲۶ فهم و شناخت تطبیقی نهج البلاغه

☀️ تیتراژ اول - گرمی باد بیست و ششمین سالگرد قیام ۱۸ تیرماه ۷۸

خبرگزاری جمهوری اسلامی (وابسته به رژیم) گزارش داد، که در ساعت ۳/۲۰ صبح جمعه ۲۳ خرداد، صدای چند انفجار در تهران شنیده شد. برخی منابع اعلام کردند صداهای مهیب از سمت شرق تهران به گوش می‌رسید. خبرگزاری فارس (وابسته به رژیم) نوشته است، یکی از اهداف حملات هوایی شهرک محلاتی بوده است.

روزنامه هآرتز نوشت، یک منبع امنیتی بلند پایه اسرائیل روز جمعه اعلام کرد: «سازمان اطلاعاتی موساد از آغاز حملات با همکاری ارتش اسرائیل یک پایگاه نظامی در داخل خاک ایران ایجاد کرده بود، که در آن پهبادهای انفجاری انبار شده بودند». این پهبادها مدت‌ها پیش از حمله به ایران، وارد کشور ایران شده بود و در شب حمله به کار گرفته شدند. به گزارش منابع امنیتی اسرائیل، حمله گسترده بامداد ۲۳ خرداد به تاسیسات نظامی و هسته‌ای ایران بود. این عملیات پیچیده که طی آن بیش از صد هدف در سراسر ایران از جمله سایت‌های هسته‌ای و مراکز استقرار مقامات ارشد مورد هدف قرار گرفت، «نتیجه سال‌ها جمع‌آوری اطلاعات توسط موساد و ارتش اسرائیل بوده است».

به گفته این منبع «در آغاز حملات هوایی اسرائیل، موساد همزمان سامانه‌هایی را که از پیش در داخل ایران مستقر کرده بود، فعال کرد. پهبادهای انفجاری به سوی پرتابگرهای موشک سطح به سطح در یکی از پایگاه‌های ارتش در نزدیکی تهران پرتاب شده و به موازات آن عملیات موساد در نقاطی از مرکز ایران عملیاتی انجام داده و سامانه‌های تسلیحاتی هدایت شونده با دقت بالا را در مناطق نزدیک به سامانه پدافند هوایی مستقر کردند». این منابع همچنین افزودند که «موساد تجهیزاتی تهاجمی چند دیگر را در درون خودروهایی در خاک ایران جاسازی کرده بود». این سامانه با هدف از کار انداختن پدافند هوایی ایران به کار رفته و توانستند در مراحل نخستین حمله، بخش بزرگی از سامانه‌های دفاعی ایران را نابود کنند».

طبق این گزارش این عملیات برنامه ریزی بلندمدت با جمع‌آوری اطلاعات دقیق طی سال‌های گذشته بوده است. موساد و ارتش اسرائیل سال‌ها در کنار هم بر روی پرونده اطلاعاتی مربوط به اعضای ارشد ساختار دفاعی ایران، دانشمندان هسته‌ای و زیرساخت‌های راهبردی موشکی ایران کار کرده‌اند. بسیاری از این چهره‌ها در حمله بامداد جمعه ۲۳ خرداد ترور شدند. طبق اعلام ارتش اسرائیل صدها جنگنده در این عملیات شرکت داشتند و بیش از صد هدف در سراسر ایران از جمله تاسیسات هسته‌ای و مراکز وابسته به مقامات عالی رتبه هدف قرار دادند.

ارتش اسرائیل همچنین اعلام کرد که «در این حملات دو نفر از بالاترین فرماندهان نظامی ایران کشته شدند». یک مقام نظامی اسرائیل گفت این حمله شامل ده‌ها هدف هسته‌ای و نظامی در ایران بوده‌اند و مدعی شد «تهران در حال حاضر به اندازه کافی مواد برای

ساختن ۱۵ بمب اتمی طی چند روز در اختیار دارد.»

دو مقام آمریکایی که خواسته‌اند نام شان فاش نشود به رویترز گفته‌اند: «اسرائیل عملیات نظامی علیه ایران آغاز کرده اما هیچ دخالت یا کمک مستقیم از سوی آمریکا در این امر وجود نداشته است». اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد، حمله‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران آغاز کرده، در این بیانیه آمده است «نیروهای دفاعی اسرائیل یک حمله پیشگیرانه دقیق ترکیبی را در خاک ایران در برابر برنامه هسته‌ای ایران آغاز کرده‌اند. ده‌ها جت نیروی هوایی اسرائیل در مرحله اول که شامل حمله به ده‌ها هدف نظامی از جمله اهداف هسته‌ای در مناطق مختلف ایران بود تکمیل کردند.»

در پی انتشار خبر حمله اسرائیل بهای نفت ۳ دلار در هر بشکه افزایش یافت. قرار بود روز یکشنبه ششمین دور گفتگوها بین مقامات ایران و آمریکایی‌ها در باره برنامه غنی سازی اورانیوم ایران با میانجی گری عمان برگزار شود، اما به گفته منابع مطلع «مذاکرات در بن بست قرار دارد.»

ترامپ یک روز قبل از حملات، از حمله اسرائیل گفته بود «که حمله اسرائیل به ایران کاملاً محتمل است» اما همچنان ابراز امیدواری کرد و راه حلی صلح آمیز برای بحران هسته‌ای ایران یافت شود. «اطلاعات امنیتی آمریکا پیشتر نشان داده بود که اسرائیل در حال آماده سازی جهت حمله به تاسیسات هسته ایران است». مقامات آمریکایی نیز به صورت غیر رسمی تأیید کرده‌اند که احتمال حمله اسرائیل در روزهای آینده وجود دارد.»

ولی بالاخره و بالاخره «با حمله اسرائیل به ایران، شرایط برای شکل گیری جنگ جهانی سوم، بیشتر آماده شده است.»

آینده در این رابطه بیشتر با هم صحبت کنیم. ●

پایان

اعتصاب و اعتراض کامیونداران، کامیونرانان در ۱۶۳ شهر ایران، بر پایه شعار

«عدالت خواهی با سرکوب خاموش نمی‌شود،
به اعتصاب ادامه می‌دهیم»

برای رژیم نیز نگرانی زیادی بوجود آورده است. در نخستین هفته خرداد، ایران شاهد گسترده ترین اعتصابات صنفی در سال‌های اخیر بود. کامیونداران و رانندگان خودروهای باری با توقف بارگیری و مسدود کردن مسیرهای ترانزیتی، اعتراض خود نسبت به شرایط نامناسب اقتصادی و صنعتی اعلام کردند. این اعتصاب که از بندر عباس آغاز شد، به سرعت به ۱۶۳ شهر استان‌ها مختلف گسترش پیدا کرد. لذا در همین رابطه بود که نگرانی از گسترش اعتصابات و اعتراضات و نارضایتی‌ها، مجلس رژیم را فرا گرفته است.

علی هذا، در این رابطه بود که روز یکشنبه چهارم خرداد محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس رژیم در تلاش برای

روز ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر کشور در بیانیه‌ای اعلام کرد «در اعتراض به وضعیت نابسامان کاری و معیشتی از روز اول خرداد ۱۴۰۴ به مدت یک هفته اعتصاب سراسری برگزار خواهد شد».

این بیانیه با عنوان «عدالت‌خواهی با سرکوب خاموش نمی‌شود، به اعتصاب ادامه می‌دهیم» شروع می‌شود. همچنین ضمن محکوم کردن برخوردهای سرکوب‌گرانه رژیم مطلقه با رانندگان و کامیونداران معترض، اعلام کرد «تا رسیدگی و تحقق مطالبات به اعتراضات خود ادامه خواهند داد». این اتحادیه در پایان روز چهارم اعتصابات، «تعداد شهرهایی را که به اعتصاب پیوسته‌اند را ۱۰۵ شهر اعلام کرد».

از آنجائیکه نیروهای سرکوبگر رژیم در بعضی از شهرها از جمله در پایانه سنندج کامیونداران و رانندگان را با اسپری فلفل مورد حمله قرار دادند و شماری از رانندگان و کامیونداران را نیز دستگیر کردند، بیانیه مزبور اعلام کرد: «ضمن محکوم کردن این اقدامات رژیم، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط رانندگان بازداشت شده گردیده است و متذکر شده: راننده‌ای که برای نان و کرامتش اعتراض می‌کند، آشوبگر نیست، اعتراض جرم نیست، بلکه حق ماست».

بدیهی است که گسترش و اعتراض رانندگان کامیون بر روند تولید بسیاری از تولیدات و خدمات اجتماعی تاثیر داشته و موجب توقف آنان گردیده است. این اعتصابات و اعتراضات

ساده جلوه دادن اعتراضات و فریب رانندگان و کامیونداران «آنان را جزو حلقه‌های موثر جریان تولید و تامین کالا دانست، و خواستار انجام اقدامات «فوری و موثر» برای رسیدگی به مطالبات کامیونداران شد». او گفت: «رانندگان و کامیونداران معترض با مشکلات متعدد از جمله نبود و گرانی قطعات و لوازم دست و پنجه نرم می‌کنند». این در حالی است که اعتراضات رانندگان و کامیونداران علاوه بر اینها «علیه کاهش سهمیه گازوئیل و افزایش قیمت آن و افزایش ۴۵ درصدی حق بیمه رانندگان، پائین بودن کرایه حمل بار و توزیع ناعادلانه بار و غیره اعتراض داشتند».

جواد نیک بین عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز ضمن اعتراف به افزایش شدید قیمت‌ها، قطعی برق و کمبود گاز گفت: «همه جا اعتراض است، کامیونداران، معدن کاران، سیمان کاران، کارخانه داران، رانندگان کامیون، خودروهای سنگین، ناوایان، بازنشستگان همه در حال معترض هستند، این حجم از اعتراض طبیعی نیست. انگار این روزها دست پشت پرده‌ای مردم را به سمت اغتشاش، اعتراض و تجمع پیش می‌برد.»

مع الوصف، او طبق معمول، همه دست‌اندرکاران رژیم، اعتصاب و اعتراض زحمتکش‌ان را به وجود «دست‌های پشت پرده، و نقشه دشمنان خارجی و داخل حکومت اسلامی تعریف می‌کرد. تا به خیال خود بتواند آنان را از مطالبات و اعتصابات و اعتراضات خود منصرف نماید. او رانندگان و کامیونداران را تهدید می‌کند که در صورت

تداوم اعتصاب و اعتراضات، توجیهی برای سرکوب شان وجود دارد.»

مع هذا، در پاسخ به فریبکاری‌های قالبیاف و وعده‌های بی‌اعتبار دیگر مقامات رژیم «اتحادیه تشکلهای سراسری کامیونداران و رانندگان در بیانیه خود اعلام کرد که ورود قالبیاف و معاون سازمان راهداری و معاون سازمان تامین اجتماعی به این مسئله، نه برای حل مشکلات بلکه برای خاموش کردن صدای حق طلبی راننده‌ها است. پشت لبخندها و وعده‌های رسانه‌ای آنها، سرکوب خوابیده است، اما ما رانندگان فریب این نمایش‌ها را نمی‌خوریم، نه امروز و نه فردا». در پایان این بیانیه اتمام حجت شده که: «تا وقتی تضمین واقعی ندهید، استارت پایان اعتصابات خود نمی‌زنیم. حالا نوبت شماست که برای رضایت راننده‌ها التماس کنید.»

اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران در بیانیه دیگر «ضمن استقبال از همراهی نیشان داران از دیگر رانندگان این صنف در سراسر کشور دعوت کرد تا به این اعتصاب بپیوندند». این بیانیه بیش از هر چیز «تکیه برای آزادی همکاران بازداشت شده دارد، که در جریان اعتراضات صنفی در بند نهادهای امنیتی رژیم گرفتار شده‌اند». تا کنون دست کم ۱۱ کامیوندار در استان‌های اصفهان، هرمزگان، کرمانشاه، اردبیل، خوزستان و فارس بازداشت شده‌اند. اتحادیه کامیونداران در این بیانیه با ابراز تاسف عمیق از این سرکوب‌ها، خواستار آزادی فوری و بی‌قید شرط تمامی رانندگان بازداشت شده گردید و تاکید کرده‌اند تا وقتی همکاران

شان در بند هستند، هیچ یک از آنها آزاد نیستند.

همچنین رانندگان معترض اعلام کرده‌اند که «در اعتراض به مطالبات صنفی تحقق نشده شان، اعتصاب ادامه دارد، اعتصاب کنندگان در اعتراض به افزایش روزافزون هزینه‌ها و عوارض، پائین بودن درآمد، کاهش سهمیه و گران شدن سوخت، توزیع ناعادلانه بار، وضعیت اسفناک جاده‌ها، سهم کمیسیون باربرها، گرانی بیمه خویش فرما، اعتصاب ادامه را می‌دهند.»

یکی از رانندگان معترض می‌گوید: «سال‌ها است که با هزینه‌های سنگین، تورم افسار گسیخته و درآمد پائین دسته و پنج نرم می‌کنیم، دیگر تحمل این وضعیت ممکن نیست». فراخوان اعتصاب کامیونداران و رانندگان بلافاصله پس از انتشار خبر سه نرخی شدن گازوئیل در شبکه‌های اجتماعی توسط دولت پزشکیان، اعتصاب خود را شروع کردند. لازم به ذکر است که، یک روز پیش از اعتصاب سراسری کامیونداران و کامیون رانان، هیات دولت سه نرخی شدن گازوئیل را منتشر کرد.

علی‌هذا، در هفته دوم اعتصاب سراسری بود که هیات دولت سه نرخی شدن گازوئیل به تعویق انداخت و بر حل مشکل بیمه و بازنشستگی آنها تاکید کرد. عنایت داشته باشیم که اعتراضات کامیونداران و کامیون رانان که از اول خردادماه ۱۴۰۴ در پاسخ به فراخوان اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر کشور شکل گرفت، در دومین حرکت تظاهرات به بیش از ۱۶۳ شهر کشور

گسترش پیدا کرد. این رانندگان از توزیع ناعادلانه بار، اسفناک بودن وضعیت جاده‌ها، کاهش کرایه‌ها، وضعیت معیشتی نابسامان، به رسمیت شناختن سختی کار، نبود نظارت بر قیمت و تعمیرات و گرانی لاستیک و روغن، درآمد ناچیز، گرانی قطعات یدکی و نایابی آنها، هزینه بالای نگهداری کامیون جاده‌های نا امن و مرگ آفرین جاده‌ها، تاخیر در پرداخت کرایه بار و بعضاً عدم پرداخت آن، معطلی و سرگردانی در نوبت بارگیری، تبعیض شرکت‌ها و واسطه‌ها و استثمار حداکثری رانندگان، سهم کمیسیون باربری از ۱۳ درصد به ۴۵ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که کرایه حمل بار برای رانندگان همچنان ثابت مانده است، دلیل اعتصاب خود را تعریف کردند.

باری، بی‌توجهی دولت به مطالبات صنفی شان، رانندگان کامیون به ستوه آورده است، آنها با خاموش کردن کامیون‌ها و توقف در جاده‌ها، صدای اعتراض خود را به گوش همه رسانده‌اند. اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسری ایران در اعلامیه دیگر خود روز پنج شنبه ۸ خرداد اعلام کردند «صدای کامیونداران و رانندگان معترض در هشتمین روز اعتصاب سراسری آنها در ۱۶۳ شهر بلند شده است». این اتحادیه در اطلاعیه خود «ضمن قدرانی از همه رانندگان، معلمان، بازنشستگان، کارگران و مردم آزاده‌ای که با آنها همراه شده‌اند، خواست که تا تحقق مطالبات خود خواهند ایستاد.»

جنبش معلمان با انتشار گزارش تفصیلی مرور یک هفته اعتصاب کامیونداران نوشت

«در مجموع به دست کم ۱۶۳ شهر گسترش یافته است». در روزهای گذشته ضمن انتشار گزارش‌هایی مبنی بر برخورد نیروهای امنیتی با کامیونداران و رانندگان و تهدید آنها نگرانی در خصوص سرکوب شدید این حرکت صنفی افزایش پیدا کرده است که با تداوم حمایت‌های گسترده از کامیونداران و رانندگان توسط تشکل‌ها و شخصیت‌های مدنی، سیاسی و هنری روبرو شده است. در تازه‌ترین اقدام تشکل مستقل کارگران ایران طی بیانیه‌ای «از اعتصاب کامیونداران و کامیون‌رانان حمایت کرده‌اند، اتحاد همبستگی و حمایت بخش‌های مختلف زحمتکشان با اعتصاب کامیونداران و رانندگان نشان دهنده پیوند خواست‌های اکثریت اردوگاه عظیم کار و زحمت تحت ستم و استثمار و تبعیض علیه مشتی اقلیت برخوردار زالو صفت حاکم می‌باشد.»

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحاد بازنشستگان، شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، شورای سازماندهی اعتراض کارگران غیر رسمی نفت در بیانیه‌های خود نوشته‌اند: «ارده مستحکم کامیونداران جاده‌ها را ساکت و چرخ‌ها را از حرکت باز داشته است.»

جنبش پیشگامان مستضعفین ایران «از اعتصاب سراسری کامیونداران و کامیون‌رانان حمایت می‌نماید. ما با تاکید بر حقوق مسلم همه بخش‌های کارگری، همه اصناف، از مطالبات صنفی آنها دفاع کرده و همه بخش‌های زحمتکشان ایران را به سازماندهی خودجوش، خودرهبر تکوین یافته از پائین، از اتحاد گسترده و مستحکم برای پیگیری مطالبات

خود و گسترش هم‌گرایی‌های هر چه بیشتر فرا می‌خوانیم». ما براین باوریم که «همه اعتراضات مطالباتی و طبقاتی در این شرایط جزو مستضعفین جامعه بزرگ و رنگین کمان ایران هستند، که باید از آنها حمایت کرد. لهذا، هر چه این سازمان یابی، هم‌گرایی بیشتر گردد، اردوگاه عظیم زحمتکشان ایران (اعم از کارگر و کارمند) با هم‌گرایی‌های هرچه بیشتر و ایجاد جبهه واحد و همراه شدن آن‌ها با اعتراضات سراسری بخش‌های مختلف دیگر مردم ایران در مقابله با حاکمیت و کارفرمایان، در برابر تحمیل فشار بحران اقتصادی بر مزد و حقوق اصناف گوناگون ضرورتی تام دارد.»

علی‌ایحال، در خصوص تاریخ گذشته جنبش کامیونداران و رانندگان باید توجه داشته باشیم که در تیرماه سال ۱۳۹۷ نیز رانندگان با برگزاری چندین مرحله اعتصاب توانستند توجه افکار عمومی و مسئولان را به بخشی از مطالبات خود جذب کنند. گرچه بسیاری از وعده‌های داده شده رژیم عملی نشدند، همین امر باعث گردید که ریشه نارضایتی‌ها ادامه داشته باشد. یادمان باشد که نشر مستضعفین ارگان عقیدتی، سیاسی، جنبشی جنبش پیشگامان مستضعفین ایران در شماره‌های تابستان ۹۶ تا ۹۷ در سلسله مقالاتی در باره اعتصابات کامیونداران و کامیون‌رانان «که از بعد از خیزش مالباختگان در دولت دوازدهم شیخ حسن روحانی، که برای اولین بار نخستین خیزش خودجوش سراسری بود، که در حداقل زمان رادیکالیزه شد و از آنجائیکه بدون سازماندهی و بدون رهبری مشخص بودند، سرکوب سراسری آن برای دستگاه‌های

چند لایه‌ای سرکوبگر رژیم مطلقه فقهاتی به آسانی ممکن نبود. لهذا خیزش مالباختگان توانست کل رژیم مطلقه فقهاتی را به چالش بکشد و این امر رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد. تا آنجا که خامنه‌ای دستور پرداخت ۳۰ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی صادر کرد که در ازای آن بانک مرکزی مجبور شد تا ۳۰ هزار میلیارد چاپ پول برای پرداخت قرض بانک مرکزی بکند. که البته هرگز موتور چاپ پول بی‌در پیکر رژیم مطلقه فقهاتی خاموش نگردیده است، و متقابلاً رشد بی‌در پیکر تورم و گرانی همراه با سقوط آزاد ارزش پول ملی کشور زائیده این موضوع می‌باشد.

باری از بعد از کاهش فشار خیزش مالباختگان توسط چاپ ۳۰ هزار میلیارد تومان پول، روند رو به کاهش پیدا کرد که جنبش رانندگان کامیون از پائیز ۹۶ حرکت خود را شروع کردند و در چند نوبت این اعتصاب قطع و وصل کردند. پس از آنکه دریافتند که رژیم مطلقه فقهاتی اراده پاسخگوئی به نیازهای آنها را ندارد، در سال ۱۳۹۷ گسترده‌ترین اعتصاب و اعتراض کامیونداران و رانندگان به نمایش گذاشتند. هرچند که رژیم مطلقه فقهاتی تلاش می‌کرد که مقاومت آنها را در هم بشکند، ولی دستگیری تعدادی زیادی از کامیونداران و رانندگان آنها نتوانست جنبش آنها را سرکوب نماید. لهذا از اینجا بود که رژیم تصمیم به عقب‌نشینی در برابر خواسته‌ها و حل مشکلات آنها را گرفت، هرچند که بعداً بعضی از وعده خود، سر باز زد. ولی به هر حال این پیروزی برای کامیونداران و کامیونرانان درسی گردید که دستیابی به خواسته آنها تنها از طریق اعتصاب و تظاهرات

صورت می‌گیرد.»

ماحصل اینکه این سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در دو هفته گذشته به صورت سراسری همچنان ادامه دارد. بیش از این در سال ۱۴۰۱ نیز کامیونداران و رانندگان با اعتراضاتی با خواسته‌های مشابه شکل گرفت، اما پاسخگوئی رژیم به آنها با سرکوب واکنش نشان داد. در جریان اعتصاب سال ۱۳۹۷ بیش از ۱۸۰ راننده بازداشت شدند که برخی آنها به عنوان محاربه متهم شدند، جرمی که می‌تواند مجازات اعدام به دنبال داشته باشد. مع الوصف، از بعد از اینکه دولت پزشکیان تقسیم به سه گانه کردن قیمت گازوئیل، سوخت کامیون را گرفت این موضوع عاملی گردید که برای بار سوم جنبش کامیونداران و رانندگان تصمیم به اعتصاب سراسری گرفتند. و در کادر این اعتصاب تمامی خواسته سرکوب شده از گذشته تا حال را مطرح کرده‌اند. که البته این اعتصاب کامیونداران و رانندگان گرچه همچنان ادامه دارد، ولی رژیم و دولت پزشکیان مجبور به عقب‌نشینی از جمله در خصوص قیمت گازوئیل گردیده است.

بر طبق اخبار رسیده هیات وزیران در مصوبه‌ای، گازوئیل با سه نرخ سهمیه‌ای تصویب کرده است. طبق همین مصوبه دولت قیمت سهمیه‌ای همچنان به قوت خود باقی گذاشته، ولی یک نرخ یارانه‌ای به عنوان نرخ سهمیه کامیونداران و یک نرخ آزاد به عنوان نرخ سوم برای گازوئیل تعیین شده است. عباسی رئیس انجمن صنفی رانندگان بار در کرمانشاه گفت: «اطمینان داده شده است که سهمیه سوخت رانندگان باری برون شهری

فعال، متناسب با ظرفیت و نوع ناوگان که دارند به میزان کافی به آنها داده شود و سهمیه یک هفته بعد دوباره برای رانندگان شارژ شود». وی از پائین بودن کرایه حمل به عنوان دغدغه و مطالبه دیگر رانندگان بخش باری یاد کرد، و افزود کرایه حمل بار پائین است، و این موضوع به مقداری مقرر شده در این خصوص نیز تصمیماتی اتخاذ می‌شود، که کرایه رانندگان متناسب با هزینه که دارند عادلانه نیست.

رئیس انجمن صنفی رانندگان باری کرمانشاه ابراز امیدواری کرد که با حل مشکلات و قول‌های مساعدی که برای حمایت از قشر زحمتکش کامیوندار و رانندگان خودروهای سنگین داده شود، تا شاهد حل مشکلات و برگشت رانندگان و کامیون‌ها به جاده‌ها باشیم. به گفته عباسی در حال حاضر ۲۲ هزار راننده در حوزه حمل و نقل باری، برون شهری در کرمانشاه فعال هستند. یزدان خسروی مدیر راهداری و حمل و نقل جاده‌های استان کرمانشاه نیز در گفتگو با ایسنا گفت: «پیگیری‌های صورت گرفته برای رسیدگی به مطالبات ماشین‌های سنگین بخش باری و با نشست‌هایی که با آنها برگزار شده است، یکی از مهمترین دغدغه‌های رانندگان افزایش ۴۵ درصدی حق بیمه تامین اجتماعی و ثابت ماندن یارانه دولت بابت حق بیمه می‌باشد، که مقرر شد با پیگیری صورت گرفته این امر بازنگری شود» وی اظهار کرد، «دغدغه دیگر رانندگان موضوع سه نرخي شدن سوخت گازوئیل هست، و این تصور برای آنها ایجاد شده که دچار مشکل خواهند شد. اما به آنها اطمینان می‌دهیم رانندگان فعال بخش باری

بر اساس پیمایشی که دارند، سوخت یارانه‌ای به آنها به میزان کافی و با نرخ لیتری ۳۰۰ تومان دریافت کنند.»

به گفته خسروی نرخ گزینه دوم این فقط برای دسترسی مناسب به گازوئیل‌های آزاد در نظر گرفته شده است و نگرانی برای رانندگان باری فعال نخواهد داشت. مدیر کل راهداری حمل و نقل جاده‌های کرمانشاه ابراز امیدواری با رسیدگی به این مشکلات شاهد رفع دغدغه‌های رانندگان و بازگشت آنها به چرخه فعالیت در جاده‌ها و اقتصاد کشور باشیم.

و اما در خصوص درسهای جنبش کامیونداران و رانندگان، یکی از درسهایی که جنبش فعلی کامیونداران و رانندگان از اعتصاب گذشته به کار گرفتند اینکه «در برابر همکارانی که اعتصاب را شکسته‌اند، دست به خشونت نخواهند زد و در بیانیه‌های خود چندین بار بر خشونت پرهیزی در اعتصاب تاکید کرده‌اند». رژیم مطلقه فقهاتی تلاش می‌کند که «از ورشکستگی‌های عظیم و کمبود برق، گاز، بنزین، گازوئیل با عنوان فریبنده «ناترازی»ها بر دوش آنان و کارگران مزدبگیر و حقوق بگیران و زحمتکشان بیاندازد». رژیم در تلاش است، تا با چند نرخي کردن گازوئیل، فشار بر کامیونداران و کامیون‌رانان افزایش دهد. همچنین رژیم تلاش می‌کند به جای حذف بودجه نهادهای انگلی خود، فشار اقتصادی بر زحمتکشان تحمیل نماید.

عنایت داشته باشیم که در طول ۴۵ سال عمر رژیم مطلقه فقهاتی، هر روز شاهد افزایش فشارهای اقتصادی بر بخش اجتماعی آسیب

پذیر هستیم. به طوریکه در شرایط کنونی اکثریت آنها بنا بر آمار رسمی زیر خط فقر مشغول گذاران زندگی هستند. افزایش آمارهای خودکشی، قتل‌های خانوادگی، رشد تصاعدی بزهکاری‌های اجتماعی آمار وحشتناک کودکان بازمانده از تحصیل، مهاجرت وسیع نخبگان دانشگاهی، همگی نشان‌هایی از این بحران هستند. از طرف دیگر پاسخ حاکمیت و نیروهای امنیتی به هر گونه تشکلیابی و اعتراضات مسالمت‌آمیز صنفی در کشوری که اتحادیه‌های مستقل ممنوع هستند و رسانه‌های دولتی به ندرت از اعتراضات گروه‌های اجتماعی می‌پردازند و سازماندهی گروه‌های اجتماعی به صورت دینامیک و ارتباط با شبکه‌های اجتماعی امکان هیچ حرکت گسترده صنفی و سیاسی ندارند و در نبود نهادهای صنفی رسمی که اعتراضات کامیون‌داران و کامیون‌رانان را هماهنگ کنند، رانندگان با استفاده از اینستاگرام و دیگر پلتفرم‌ها اقدام به اطلاع رسانی و دستورالعمل‌های اعتصاب می‌کنند.

این شیوه سازماندهی غیر متمرکز و مبتنی بر همکاری مستقیم، بین هم صنفی‌ها در کشور ایران به ویژه میان گروه‌هایی که از کانال رسمی سیاسی و رسانه‌ای کنار گذشته‌اند، به طور فزاینده رایج شده است. با وجود سانسور اینترنت و تلاش‌های مداوم رژیم مطلقه فقه‌ای برای سرکوب سازماندهی دیجیتال، این پلتفرم‌ها به ابزارها قدرتمندی برای ایجاد همبستگی و به چالش کشیدن روایت رسمی تبدیل شده‌اند». سرکوب، پرونده سازی و فشارهای اینترنتی در چنین شرایطی تاثیر آن این است که در طول دو

هفته گذشته شاهد اعتصاب کامیون‌داران و کامیون‌رانان در سراسر کشور برای پیگیری حقوق صنفی شان می‌باشیم. مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز با افزایش هرچه بیشتر اقتصادی و معیشتی بر زندگی آنها که از طرف حکومت کانالیزه می‌شود.

از نظر ما تنها سیر صحیح پیگیری قابل تحقق این مطالبات گسترده است، جنبش‌های مطالبه‌گری و مطالبات هیچ قشری در جامعه بزرگ ایران خارج از آن اتحاد سرنوشت ساز دست یافتنی نیست. کامیون‌رانان این قشر پر فشار حمل و نقل سال‌هاست که همچون سایر اقشار و صنوف با فشار طاقت فرسای اقتصادی و افزایش افسار گسیخته هزینه‌ها و عدم پاسخگویی مسئولان مواجه‌اند، که خواسته این قشر زحمتکش‌شان ایران همچون سایر صنوف خواسته‌های حداقلی معمول و قابل تحقق است.

اعتراض و اعتصاب کامیون‌داران گامی است در مسیر عدالت همبستگی، کرامت انسانی و ارزش‌هایی که شایسته پشتیبانی همگانی است. بنابراین ما با درک عمیق از رنج‌ها مشترک صنفی و معیشتی حمایت کامل و قاطع خود را از اعتصاب سراسری و بر حق کامیون‌داران و زحمتکش‌شان شریف کشور اعلام می‌کنیم. در جامعه امروز ایران هر روز آمار فقیران زیر خط فقر، کارتن خواب‌های بی‌خانمان، بیکاران، گرسنگان، زندانیان، اعدامی‌ها، ورشکستگان، تولیدکنندگان، بردگی کارگران، رشوه خواران نظام افزوده می‌شود. بیافزائیم که «حرکت اعتراضی رانندگان و کامیون‌داران موج جدید و گسترده‌ای از رشد تشکلی‌ها و سازماندهی

مستقل مدنی می‌باشد. این حرکت عظیم صنفی بیان روشنی از این واقعیت است که فضای کنش‌گری مستقل مدنی و مستقل از جریان‌های خارج نشین (از چپ تا راست راست) و همچنین از جریان‌های داخلی و درونی و برونی حکومت است، که می‌تواند نشانگر این واقعیت باشد، که فضای کنش‌گری مستقل از سیاست‌های هار سرکوب‌گرایانه و اقتدارگرایانه رژیم سرمایه‌داری به شدت فاسد و رانت خوار را در تنگنای قرار بدهد.

در پروسه خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱، پیدایش و رشد تشکلهای مستقل مدنی در اشکال متفاوت، در جامعه بزرگ ایران به طور بی‌سابقه‌ای شتاب گرفت. این روند به طور امید بخش هم چنان جریان دارد. پر روشن است که تقریباً این تشکلهای مستقل نوین‌اند و در شرایط خفقان و دیکتاتوری بسیار طولانی حاکم بر جامعه ایران از امکان پیدایش و رشد برخوردار نبوده‌اند. در مقاطعی هم که این امکان بوجود می‌آید، در مدت کوتاهی سرکوب می‌شوند، و به خاطر اندیشه‌های تنگ نظرانه و نادرست نیروهای سیاسی داخل و خارج نشین (از چپ چپ تا راست راست) به شکل وابسته یا نسخه تفالهای در می‌آیند و در رقابت‌های سیاسی به شدت سکتاریستی گیر می‌افتند.

در این شرایط علیرغم سرکوب رژیم مطلقه فقهاتی، تشکلهای جامعه مدنی از جمله تشکلهای صنفی دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و غیره دوران جدیدی را نوید می‌دهند، دورانی که در شرایط تحولات ملی خیزشی

و جنبشی می‌تواند به تعمیق ارزش‌های دموکراتیک و رفع تبعیض و نابرابری در کشور بیانجامد. در این میان بعضی از تشکلهای با سابقه‌تر مثل تشکلهای صنفی معلمان، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و غیره می‌توانند الگوی مهمی برای تشکل و سازماندهی شوند. مسلماً نمی‌توان انتظار داشت که این نوع تشکلهای در بخش‌های مختلف و یا مناطق مختلف به صورت موزونی رشد کنند. همانگونه که در رشد این نوع تشکلهای در شهرها و مناطق ایران به مراتب گسترده از مناطق حاشیه‌ای تر و دور افتاده است. ولی در شرایطی که به عقب راندن سلطه اقتدارگرا و رشد فرهنگ دموکراتیک و اهمیت جامعه مدنی بیانجامد، مناطق عقب افتاده دیگر نیز با شتاب به این سو کشیده می‌شوند.

نکته باز هم اساسی و قابل تاکید اینکه این تشکلهای صنفی و عدم وابستگی آنها به این یا آن جریان خارج نشین و حکومتی داخل کشور برای بقا و مشارکت آنها در پروسه دموکراتیزه کردن جامعه و تحقق حقوق ابتدائی زحمتکشان مورد تبعیض و ستم حیاتی است. وجود گرایشات سیاسی و متفاوت در این تشکلهای بسیار طبیعی به نظر می‌رسد و از این جهت تحمل پذیرتر است. این نهادها و استقلال از تشکلهای سیاسی سلطه‌گرایانه سکتاریستی رایج در گروههای سیاسی باید جدی گرفته شود. ●

پایان

بحران ناترازی برق، آب، گاز، بنزین و غیره رژیم مطلقه فقه‌اhtی، زندگی مردم ایران را فلج کرده است

کشور ایران «با یک درصد جمعیت جهان، دارای مهمترین منابع طبیعی از جمله ۱۷ درصد نفت، ۱۳ درصد گاز و ۷ درصد ذخایر معدن کره زمین در اختیار دارد، ولی رژیم مطلقه فقه‌اhtی حاکم در طول ۴۵ سال گذشته، مغول‌وار این ثروت‌های خدا دادی مردم ایران را غارت کرده اند، بطوریکه امروز شاهد ناترازی‌های حیرت آور، برق، آب، گاز و سایر انرژی‌ها هستیم. بدون تردید اگر رژیم نتواند مشکل این ناترازی‌ها را حل کند، کشور ایران وارد بن‌بست ابر تورم ناترازی‌ها می‌شود. باید توجه داشت که «بن‌بست ابرتورم انرژی‌ها به معنای رشد ۵۰ درصدی تورم در هر ماه است.»

طبق گفته ایسنا: «ناترازی در تولید مصرف بنزین به حدود ۱۵ میلیون لیتر در روز رسیده است.» قطع گسترده برق بخصوص در شهرها و بالاخص در شهر تهران، بحران انرژی رژیم در این شرایط به نمایش می‌گذارد. این خاموشی‌ها که از سال ۱۳۹۲ الی الان صورت فراگیر و صعودی پیدا کرده است و به جز خانه‌های مسکونی، واحدهای تجاری و کشاورزی هم پوشش داده است، باعث گردیده که این ناترازی در این شرایط که هنوز در فصل بهار هستیم و به تابستان نرسیده ایم، اقتصاد کشور را مختل کرده، و ادارات را به نیمه وقت کشانده و باعث خسارت اقتصادی و اجتماعی فراوانی گردیده است.

یادمان باشد که «همین بحران انرژی در زمستان به صورت

بحران گاز وجود داشت.» علی‌ایحال، خاموشی‌های برق در سال ۱۴۰۴، قبل از رسیدن تابستان از اردیبهشت علاوه بر قطع برق شهرک‌ها صنعتی و اداری و کارخانه‌های شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها و واحدهای تجاری و منازل را فراگرفته است. واقعیت این است که بحران انرژی در ایران نتیجه ۴۵ سال سوء مدیریت و ناکارآمدی و سرمایه‌گذاری نکردن در زیرساخت برق و آب و گاز و بنزین می‌باشد. یک کلیپ منتشر شده از وضعیت مردم به خصوص در شهر می‌باشد، یکی در این کلیپ می‌گوید: «برق مغازه من قطع شده در صورتی که این ساعت اوج کار من است. برق که می‌رود نه زندگی ما

زندگی است و نه کاسبی ما کاسبی، تا کی قرار است به این وضع ادامه بدهیم. تا کی باید به این شکل زندگی کنیم.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکيان در توجیه بی‌برقی که مردم را به ستوه درآورده است گفت: «همانجوری که شرکت توانیر اعلام کرده، به جهت مشکلات نیروگاه‌های آبی، ناترازی برق بوجود آمده است و مجبور به قطع برق ساعاتی از روز در بخش‌هایی از شهرها شده ایم. این موضوع نه مطلوب دولت است و نه از این وضع راضی هستیم. ولی خب وقتی به هرحال در شرایط دشوار گیر می‌کنیم، قاعدتا باید با هم عبور بکنیم.»

باری، معضل قطعی برق یک بحران منفرد بر مردم ما نیست، در طول ۴۵ سال گذشته عمر رژیم مطلقه فقهاتی، «بیکاری، گرانی، تورم، کاهش ارزش پول، گرانی اجاره مسکن، کارتن خوابی، بی‌خانمانی، بی‌دارویی، فحشا، سرقت، قتل، ناامنی از جمله انبوه معضلات اجتماعی جامعه بزرگ و رنگین کمان ایران می‌باشد که رژیم بر مردم مظلوم ایران تحمیل کرده است». اگر بحران‌هایی نظیر بیکاری و بی‌خانمانی و غیره هر کدام به نوبه خود روی لایه‌های معینی از جامعه تاثیرگذار باشد، خاموشی مستمر برق به صورت فاجعه عموم زندگی‌های عادی روزمره مردم ایران را مختل کرده و آنان را به وضعیت اسفباری کشانده است.

در سال‌های اخیر بحران انرژی به ویژه

در حوزه تامین برق به یکی از معضلات ساختار اقتصادی و حکمرانی بدل شده است. ناترازی میان تولید و مصرف، فرسودگی زیرساخت‌ها، فقدان سرمایه گذاری موثر این بحران را تشدید کرده و به بن‌بست کشانده است. اما آنچه این بحران را از سطح یک مسئله فنی به یک بحران سیاسی - اجتماعی ارتقا می‌دهد، پیامدهای گسترده آن بر زندگی روزمره مردم، صنعت، کشاورزی و غیره است.

در جلسه علنی مجلس دوازدهم رژیم برخی از نمایندگان نسبت به تبعات اجتماعی و اقتصادی قطعی برق هشدار دادند و دولت پزشکيان را فاقد برنامه روشن برای مدیریت بحران برق معرفی کردند. همزمان برخی دیگر از نمایندگان تلاش داشتند تا با امنیتی کردن فضا و تاکید بر تهدیدات دشمن خارجی، این انتقادات را فنی کرده و از کلیت ساختار حکمرانی دفاع می‌کردند. در جلسه علنی ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ بر اساس اظهارات صباغیان، فاطمی و کوچکی نژاد، «قطعی گسترده پی در پی برق نه فقط اخلاص در زندگی روزمره مردم از جمله بیماران، نانوائی‌ها، کشاورزان و مرغداران شده، بلکه به طور مستقیم روند تولید در کارخانه‌ها و صنایع کشور را مختل کرده است و فقدان استراتژی مشخص برای توازن عرضه و تقاضای انرژی و آماده نبودن دولت پزشکيان برای مواجهه با افزایش فصلی مصرف برق است». ۵ اسفند ۱۴۰۳ هم احمد مرادی نماینده مجلس دوازدهم رژیم، پزشکيان را مخاطب

قرار داد و فریاد زنان گفت: «جناب آقای دکتر پزشکیان افزایش تورم و نرخ ارز و طلا کمر مردم را شکسته و با این روند امیدواری مردم به یاس و ناامیدی تبدیل شده است. اشتغال برای جوانان دست نیافتنی شده و ساخت یا خرید مسکن غیر ممکن شده است. ناترازی انرژی و قطع برق خانگی و قطع برق چاه‌های آب کشاورزی و گاز مردم واقعا عذاب آور شده است.»

البته در همان زمان رسانه‌های رژیم خبر دادند که «علت قطعی برق و ناتوانی در تامین گاز و گازوئیل برای نیروگاه‌ها است. ذخایر گازوئیل نیروگاه‌ها به کمترین میزان خود و بیش از ۸ هزار مگاوات نیروگاه‌ها در سراسر کشور به دلیل نداشتن سوخت در آن زمان از مدار خارج شده بودند» و باز در همان زمان اداره کل برق رژیم در بیانیه‌اش اعلام کرد: «محدودیت‌های ایجاد شده در روند تامین و انتقال گاز به نیروگاه‌ها به منظور حفظ پایدار شبکه باعث قطع مشترکان شده است». شدت بحران باعث گردیده که کارگزاران رژیم مطلقه فقه‌ای تقصیر را به گردن یکدیگر بیندازند. آنچنانکه اقتصاد نیوز نوشت: «وزارتخانه‌های نفت و نیرو در ارتباط با قطع برق نشان از فرار از پاسخگویی با فرافکنی دارند و به جای تفاهم بر سر رفع مشکل دنبال مقصر جلوه دادن همدیگر هستند». رژیم مطلقه فقه‌ای با سیاست‌های ویرانگر کشور ایران را که غنی از منابع و انرژی است، به جایی رسانده اند که مردم ایران در تاریکی در

گرمای تابستان به سر می‌برند. گذشته از شهروندان، یکی دیگر از مهمترین قربانیان کمبود برق در کشور، صنایع هستند که مواجه با بحران کمبود برق دچار ضرر و زیان فراوانی شده‌اند.

به گزارش تجارت نیوز، بیشتر شهرهای صنعتی مثل پردیس، صفادشت، دهک عباس آباد و سلیمانی از آغاز قطعی برق واحدهای خود را تعطیل کرده‌اند. البته تمام شهرک‌ها صنعتی کشور با محدودیت برق روبرو هستند. قطعی برق چنانکه نمایندگان مجلس اشاره کردند، دارای تبعات گسترده در حوزه‌های معیشتی روانی و حتی امنیتی است. از نظر نمایندگان مجلس دوازدهم رژیم «در جامعه‌ای که اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی در حال فرسایش است، چنین بحرانی می‌تواند به جرقه‌هایی نارضایتی جمعی بدل شود.»

صاحب نظران حوزه اقتصادی هشدار می‌دهند که میزان ناترازی برق در این شرایط (سال ۱۴۰۴) به یک سوم کل تولید افزایش یافته است و رقم ناترازی در این شرایط که هنوز فصل بهار است و تابستان هم نرسیده است، به ۲۵ تا ۳۰ هزار مگاوات رسیده است و به همین دلیل است که این ناترازی نه تنها گریبانگیر شهرهای صنعتی و کارخانه‌ها کشیده است، بلکه گریبانگیر خانوارهای بخش‌های اقتصادی در شهر و روستا هم گردیده است. تشدید ناترازی برق و گاز و آب نه تنها در ماه‌های گرم و سرد، بلکه کل ماه‌های سال را در

بر می‌گیرد.

شکر خدایی رئیس کمیسیون سرمایه گذاری و تامین مالی اتاق بازرگانی ایران می‌گوید: «وضعیت ناترازی برق در سال ۱۴۰۴ چنان وخیم می‌شود که آرزوی وضعیت ناترازی سال گذشته را خواهیم کرد» او می‌گوید: «برآوردها نشان می‌دهد هر روز قطعی برق صنایع بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار به اقتصاد و صنایع کشور زیان وارد می‌کند. اما این وضعیت در محدودیت‌های زود هنگام انرژی و قطعی برق چه راهی دارد؟» اردشیر مذکوری مدیر عامل شرکت مدیریت برق ایران خارج شدن شماری از نیروگاه‌های برق آبی از مدار تولید، از عوامل اعمال محدودیت‌های برق سال ۱۴۰۴ اعلام کرد. بر اساس اعلام اردشیر مذکوری در حال حاضر کمتر از ۱۵ هزار مگاوات ساعت برق به صورت روزانه توسط نیروگاه‌های برق آبی تولید می‌شود. حال آنکه این در سال گذشته در همین بازه زمانی، حدود ۶۰ هزار مگاوات ساعت بوده، در واقع میزان تولید نیروگاه‌های برق آبی به یک چهارم میزان پارسال کاهش یافته است که دلیل اصلی آن کمبود بارش و افت ۴۲ درصدی ورود آب به حوضچه‌های پشت این سدهاست. دلیل دیگر به افزایش دو درجه‌ای میانگین هوا باز می‌گردد، که مصرف برق را افزایش داده است. هوای برخی شهرهای جنوبی ایران چنان گرم شده که استفاده از کولر و وسایل سرمایشی زودتر از سال‌های قبل آغاز شده است و عامل سوم برای بروز این پدیده بی‌سابقه،

توقف شماری از نیروگاه‌های حرارتی به دلیل تعمیرات اساسی سالانه است. این نیروگاه‌ها در ماه‌های قبل با تمام ظرفیت فعالیت کرده‌اند و فرصت و فراغتی برای تعمیر و نگهداری سالانه آنها نبوده، با این حساب پیش‌بینی می‌شود دوره تعمیرات این نیروگاه طولانی‌تر از معمول باشد.

باری، «در این شرایط، در کنار کمبود برق، کمبود آب حتی آب شرب نیز به مشکلات مردم ایران افزوده شده است» مسئول کمیسیون محیط زیست مجلس اعلام کرد که ۳۰ استان کشور در سال ۱۴۰۴ دچار کم آبی برای شرب و تامین برق هستند. بحران آب و برق، اقتصاد و امنیت اجتماعی مناطق گسترده‌ای از کشور را با چالش جدی مواجه کرده است. در همین رابطه است که از ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ اعتراضات گروه‌های مختلف مردم اردکان، یزد، تهران، کرج و شهریار بر ضد دولت پزشکیان از سر گرفته شده است. ناترازی در آب کشور به خصوص در خصوص بحران آب، کشاورزان اصفهان و برخی از روستاهای اصفهان از جمله برسیان، خوراسگان، زیار و فلاورجان به تظاهرات برعلیه رژیم وادار ساخته است. لذا در این رابطه بود که در روز نهم فروردین ۱۴۰۴ تظاهرات گسترده‌ای کشاورزان اصفهان وارد خیابان‌ها شدند. در جریان همین اعتراضات بود که لوله انتقال آب زاینده رود به یزد شکستند. این اقدام آنها باعث سرکوب پلیس با شلیک گاز اشک آور و استفاده از باتوم و ضرب و شتم گردید، و شماری از آنها هم زخمی

شدند. شعار تظاهر کنندگان فوق عبارت بود از «به اصفهان نفس بده / زاینده رود را پس بده، حق آب را می‌گیریم / حتی اگر بمیریم، زاینده رود دائم / حق مسلم ماست.»

لازم به ذکر است که در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی از طریق احداث لوله ۳۳۰ کیلومتری، آب زاینده رود به استان یزد منتقل گردید. حجم انتقال این آب بیش از ۹۰ میلیون متر مکعب است. شواهد حاکی است که بخشی از این آب انتقالی به صنایع فولاد، کاشی سازی و دیگر صنایع آب بر صرف می‌شود. کشاورزان اصفهانی در اعتراض تجمیعی خود اعلام کردند «هیچ مشکلی با آب شرب استان یزد نداریم و تاکید کردند اعتراضات‌شان در مورد آبی است که صرف صنایع استان یزد می‌شود.»

طبق گفته مهدی حسن پور دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان یزد، از سال ۱۳۹۱ تا کنون خطوط لوله انتقال آب به یزد، بیش از ۲۰ بار توسط کشاورزان تخریب گردیده است». علی‌ایحال، عدم توجه و عدم رعایت ضروری زیست محیط، تخریب وحشتناک طبیعت از کوه و رودخانه و تالاب و دریاچه و غیره در پی داشته است. بر این مطلب بیافزائیم که، در هنگام تاسیس یا توسعه صنایع آب بر از جمله فولاد قبل از هر چیز باید شرایط اکولوژی محل در نظر گرفته شود. روشن است که در مکانی که آب کافی و لازم وجود نداشته باشد، چنین صنایعی نباید دایر شود.

باری، «این واقعیت انکار نکنیم که در ۵ سال اخیر میزان بارش کاهش یافته است و ذخائر آبی در سدهای اطراف تهران که تامین کننده آب شهر تهران هستند، از جمله سد امیرکبیر، طالقان و ماملو به شدت کاهش یافته است. حجم مخزن سد امیرکبیر تقریباً به نصف کاهش یافته و سد لار تقریباً خشک شده است. ورودی آب سدهای کشور در سال ۱۴۰۳ برابر با ۹۱۵ میلیارد متر مکعب بوده، که در سال ۱۴۰۴ این ورودی به ۳/۵ میلیارد متر مکعب کاهش پیدا کرده است. سد میناب در هرمزگان، زاینده رود در اصفهان، پانزده خرداد در خراسان رضوی و سد ساوه در وضعیت قرمز قرار دارند.»

مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران گفت: «شرایط آبی در سال ۱۴۰۴ سخت تر از سال گذشته می‌باشد» ایلنا ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ نوشت: «اوضاع به قدری وخیم است که ممکن است تابستان سال جاری آب جیره بندی شود. ماجرای کمبود و قطع برق و گاز با کمبود آب این چنین در رژیم مطلقه فقهاتی در کنار هم تکمیل می‌شود.» ●

پایان

گرامی باد بیست و ششمین سالگرد قیام ۸۱ تیر ماه ۸۷، نخستین مبارزه ضد استبدادی جنبش دانشجویی بارژیم مطلقه فقاہتی

لباس شخصی‌های حزب پادگانی خامنه‌ای، تظاهراتی بر علیه رژیم مطلقه فقاہتی و دولت سید محمد خاتمی، با شعار: «مرگ بر خامنه‌ای» از خوابگاه به سطح خیابان‌های اطراف خوابگاه کردند.

حزب پادگانی خامنه‌ای در واکنش به این اعتراضات جنبش دانشجویان، نیروهای سرکوب‌گرش را به جان تظاهر کنندگان انداخت و تلاش کردند تا مقاومت جنبش دانشجویان را در هم بشکنند. اما از آنجائیکه آنها قادر به سرکوب دانشجویان نشدند و مردم و دانشجویان آنان را وادار به عقب نشینی کردند، باز یورش شبانه به کوی دانشگاه در دستور قرار خود دادند. سحرگاه روز جمعه ۱۸ تیرماه نیروهای حزب پادگانی و لباس شخصی‌ها دوباره به

۲۶ سال پیش در روز ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸، قیامی از جنبش دانشجویان تهران (که مرکز آن در خوابگاه امیرآباد دانشگاه تهران بود) شکل گرفت که تا روز ۲۳ تیر ۱۳۷۸ ادامه داشت و در روز ۲۳ تیر توسط نیروهای حزب پادگانی خامنه‌ای به صورت هولناکی سرکوب شدند. حرکت اعتراضی این قیام از خوابگاه امیرآباد تا مصلای رژیم در دانشگاه تهران و از آنجا تا وزارت کشور (دولت اصلاح‌طلبان حکومتی سید محمد خاتمی) ادامه پیدا کرد.

آنچه استارت اولیه این قیام و خیزش دانشجویی بود «اینکه در روز ۱۶ تیرماه ۱۳۷۸ مجلس رژیم، اصلاح قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن محدودیت‌های بسیار گسترده تری به مطبوعات تحمیل می‌شد». روزنامه سلام با انتشار سندی از سعید امامی (معاون وقت وزارت اطلاعات) به عنوان پیش نویس این قانون نام برد. تنها یک روز بعد از تصویب قانون ضد مطبوعاتی رژیم مطلقه فقاہتی (روز ۱۷ تیرماه ۱۳۷۸) با حکم دادستانی، روزنامه سلام ارگان خبری روحانیون (که سید محمد خاتمی رئیس آن بود) توقیف شد. این اقدام رژیم دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران (امیرآباد) را وادار به اعتراض نسبت به این موضوع کرد. آنها خواستار رفع توقیف از این روزنامه و عدم تصویب طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس رژیم شدند. پس از حمله لباس شخصی‌های حزب پادگانی خامنه‌ای در همان شب به دانشجویان خوابگاه و کشته شدن یک نفر از آنها و زخمی گشتن تعداد زیادی از آنها، فردای آن روز تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از دانشجویان خوابگاه و اعتراض به حمله هولناک

ساختمان کوی دانشگاه تهران یورش بردند و از انجام هیچ عمل شنیعی کوتاهی نکردند، و همه توان خود را به کار گرفتند تا با یورش وحشیانه خفتی که در روز قبل از آن از حرکت مردم و دانشجویان دیده بودند، تلافی نمایند. حزب پادگانی خامنه‌ای، ضمن در هم شکستن درب و پنجره‌های اتاق‌های خوابگاه، بسیاری از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داده و چند تن از آنان را از در و پنجره‌ها به پائین پرتاب کردند. هجوم پاسداران و لباس شخصی‌های حزب پادگانی خامنه‌ای به خوابگاه‌ها و ضرب و جرح وحشیانه دانشجویان و به ویژه دختران دانشجو با هدف سرکوب اعتراضات دانشجویی و در هم شکستن جنبش نو پای دانشجویی به پاخواسته بر علیه رژیم صورت گرفت.

از روز ۱۸ تا روز ۲۶ تیرماه کنش‌گران دانشجویی با همراهی مردمی که به سرعت به آنها پیوسته بودند، برای اولین بار از بعد از کودتای فرهنگی خمینی در بهار ۵۹، با شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای» به خیابان‌ها آمدند و خواستار نفی این رژیم شدند. آنها همچنین خواهان «حقوق آزادی بیان، حق فعالیت سیاسی و حق تشکل دموکراتیک بودند» زیرا آنها به خوبی آگاه بودند که در فضای باز سیاسی امکان دستیابی به تشکل و سازمانیابی و رهبری دینامیک و دموکراتیک جمعی تکوین یافته از پائین وجود دارد.

«حزب پادگانی خامنه‌ای و اصلاح‌طلبان حکومتی سید محمد خاتمی در چارچوب رژیم مطلقه فقهاتی، جز بر پایه دیکتاتوری و سرکوب

توسط قدرت جهت تثبیت حکومت به چیزی دیگر نمی‌اندیشند». یورش وحشیانه حزب پادگانی خامنه‌ای به خوابگاه‌های دانشجویی، خشم فرو خفته دانشجویان که نزدیک به دو دهه تعرضات و تجاوزات مداوم رژیم مطلقه فقهاتی به حقوق صنفی و سیاسی را دیدند، برانگیخت و انگیزه‌ای شد که «گسترده‌ترین خیزش دانشجویی در دوران پس از کودتای فرهنگی خمینی در بهار ۵۹ به دنبال آورد.»

باری، در اینجا مشخص می‌شود که «قیام تیرماه ۷۸ نخستین حرکت ضد استبدادی دانشجویان بر علیه رژیم مطلقه فقهاتی بوده است» به عبارت دیگر بر خلاف خیزش ۱۶ آذر ۳۲ که خیزش دانشجویی قبل از اینکه بر علیه استبداد باشد، ماهیت ضد امپریالیستی و بر علیه امپریالیسم آمریکا و انگلیس در خصوص کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرنگون کردن دولت مصدق (تنها دولت دموکراتیک تاریخ ایران) بود، اما جنبش ۱۸ تیر ۷۸ حرکت ضد استبدادی جنبش دانشجویی بر علیه رژیم مطلقه فقهاتی بود.

شاید بهتر باشد که بگوئیم «۱۶ آذر ۳۲ جنبش دانشجویی نشان داد که حرکت ضد استبدادی بر علیه رژیم مستبد پهلوی از طریق مبارزه با امپریالیسم می‌گذرد»، در صورتی که «۱۸ تیر ۷۸ نشان داد که مبارزه ضد امپریالیستی دانشجویان، از کانال مبارزه با استبداد می‌گذرد» و «این فرمول مهم، کلید فهم جوهر حرکت دانشجویی می‌باشد.»

بنابراین، از اینجا است که می‌توانیم بگوئیم، «جوهر همه حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مانند جنبش سبز و خیزش دی‌ماه ۹۶ و

آبان‌ماه ۹۸ و پائیز ۱۴۰۱ هم جوهر ضد استبدادی داشته است». «۱۸ تیر ۷۸ تنها حرکت دانشجویی است که توانست با مبارزه مدنی از پائین، بخشی از مردم جامعه را جذب مبارزه خودشان نمایند و قطعاً اگر این خیزش می‌توانست به جای سرکوب حزب پادگانی خامنه‌ای، برای مدتی دوام پیدا کند، شرایط بهتری برای جذب بیشتر مردم در مبارزه با استبداد پیدا می‌کرد» ۱۸ تیر ۷۸ نشان داد که در تحلیل نهایی «موضوع حرکت‌های اجتماعی دانشجویی آگاهی‌بخشی است، نه حزب‌سازی و نه دنباله‌روی از حرکت‌های اصلاح‌طلبان حکومتی است».

همچنین ۱۸ تیر نشان داد که «راه موفقیت حرکت‌های اجتماعی در هر شکل آن، کشانیدن حرکت خود به عمق جامعه است نه محدود شدن به حرکت‌های کارگاهی جریان خود».

جنبش دانشجویی در ۱۸ تیرماه ۷۸ نشان داد که «در راه پر سنگلاخ و در عین حال رو به فراز جامعه بزرگ و رنگین کمان ایران، برای نهادینه کردن آگاهی و آزادی و عدالت در جامعه بزرگ ایران جنبش دانشجویی می‌تواند نقش بی‌بدیلی داشته باشد. گسترده‌گی و در هم تنیدگی نیروهای جنبش دانشجویی واقعیتی است که تا زمان حال ادامه دارد».

جنبش دانشجویی در طول ۷۴ سال گذشته حیات خود، بنا به خصلت دینامیکی که دارد، توان مبارزه بر علیه مشکلاتی که مانع دستیابی به خواسته‌های خودش می‌شود، را دارد. دانشجو نه تنها جویای علم، که جویای آنچه که هست، باید باشد، از این رو به ویژه

در جوامع در حال توسعه یکی از سکانداران ترقی و آزادی و آگاهی و عدالت هستند.

جنبش دانشجو، ضد سرکوب، فساد، بی‌عدالتی و اقتدارگرایی است.

جنبش دانشجویی در درازنای ۷۴ سال (از شهریور ۲۰ الی الان) سند مستند سازش‌ناپذیری با سرکوب و بی‌عدالتی و اقتدارگرایی می‌باشد.

باری، تفاوت حرکت جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸ با حرکت دانشجویی در پائیز ۱۴۰۱ در این است که، اگر چه هر دو حرکت به لحاظ جوهر حرکتی صورت خیزش داشتند، اما در ۱۸ تیر ۷۸ حرکت خیزشی توسط حرکت خود دانشجویی شروع شد و بعداً در پیوند با مردم قرار گرفت. در صورتی که در مهرماه ۱۴۰۱ که حرکت دانشجویی در پیوند با خیزش مردم مادیت پیدا کرد و این پیوند که در دانشگاه شریف در روز یکشنبه ۱۴۰۱/۷/۱۰ به اوج خود رسید، اگر خیزش قبلی و اولیه مردمی ایران نبود، بدون تردید خیزش دانشجویی در پائیز ۱۴۰۱ در پیوند با مردم شکل نمی‌گرفت.

لازم به ذکر است که خیزش پائیز ۱۴۰۱، از تاریخ ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ با قتل حکومتی مهسا امینی مادیت پیدا کرد. عنایت داشته باشیم که «در خیزش ۱۸ تیر ۷۸ از زمانی که دانشجویان محدوده خوابگاه توانستن وارد خیابان بشوند، و حرکت خود را خیابانی کنند، توانستند حرکت مردم را جذب کنند و حرکت خود را اعتلا ببخشند». البته طرح شعار سرنگونی و مرگ بر خامنه‌ای آنها،

در آن شرایط باعث بالا بردن هزینه مبارزه برای توده‌ها داشت و به همین دلیل حرکت کنش‌گران دانشجویی از خیزش ۱۸ تا ۲۳ تیر نتوانستند حداکثر توده‌ها را جذب حرکت خود بکنند، بلکه برعکس توانستند حداقلی از توده‌ها آن هم جوانان را جذب حرکت خود نمایند. مع هذا، همین موضوع باعث گردید تا حزب پادگانی خامنه‌ای بتواند در روز ۲۳ تیر حداکثر سرکوب هولناک را بر خیزش دانشجویی وارد کنند.

یادمان باشد که توده‌ها در کادر زندگی روزمره خود می‌توانند در مبارزه با رژیم شرکت کنند و تعادل قوا را به نفع خود تغییر بدهند. علی‌ایحال، برای انجام این مهم باید هزینه مبارزه برای آنها کاهش داد. بر این مطلب بیافزائیم که حزب پادگانی خامنه‌ای در این رابطه است که در سرکوب حرکت‌های اجتماعی، تلاش می‌کند که هزینه مبارزه را برای کنش‌گران شرکت کننده در مبارزه تا می‌توانند بالا ببرند، نه بالعکس.»

فراموش نکنیم، «عامل اصلی شکست جنبش چریکی، چه در فاز اول (در رژیم پهلوی) و چه در فاز دوم حرکت مجاهدین خلق با رژیم مطلقه فقهاتی، همین بالا بودن هزینه و عدم توانایی در پیوند با توده‌ها بوده است و می‌باشد. طبیعی است که در ۷ مهر ۱۳۶۰ که مجاهدین خلق در تلاش بودند تا با نیروهای خود در خیابان نظام آباد شعار «مرگ بر خمینی» را توده‌ای کنند، در آن حرکت، نه تنها حتی یک نفر از مردم نتوانستند جذب آنها نشد، بلکه برعکس تمام نیروهای مسلح خود که در محاصره نیروهای سپاه قرار گرفته

بودند، کشته شدند». عین همین موضوع در تابستان ۶۷ اتفاق افتاد. آن زمانی که مجاهدین خلق از بعد از فتح مهران فکر می‌کردند با نیروهای خود می‌توانند تا تهران بیانند. مع الوصف، قبل از رسیدن به کرمانشاه با نیروهای نظامی رژیم تحت فرماندهی صیاد شیرازی برخورد کردند و تار مار شدند، و در این حمله مجاهدین خلق، بیش از ۱۵۰۰ نفر کشته دادند و هیچ نیروی توده‌ای به خاطر بالا بودن هزینه مبارزه برخلاف تصورشان نتوانستند جذب نمایند. برعکس در شرایطی که هزینه مبارزه سنگین نباشد، مانند سال ۵۶ و ۵۷ مشارکت اجتماعی مردم در مبارزه به حداکثر می‌رسد.

نکته دیگری که در خصوص حرکت خیزشی ۱۸ تیرماه ۷۸ باید به آن توجه داشته باشیم، اینکه «حرکت خیزشی در جامعه ایران، ۸ سال پیش از ۸ مهر، در دولت هاشمی رفسنجانی به علت بحران‌های شدید اقتصادی و رشد تورم و بیکاری و گرانی، به صورت موج اول حرکت‌های خیزشی بر علیه رژیم مطلقه فقهاتی از نهم خرداد ۱۳۷۰ تا ۱۵ فروردین ۱۳۷۴ در ۱۰ شهر بزرگ و کوچک ایران یعنی شیراز، زاهدان، زنجان، ارومیه، اراک، مبارکه، قزوین، اسلامشهر آن هم از پائین به صورت گسترده شکل گرفتند، که البته قبل از گسترش به شهرهای دیگر به صورت هولناکی توسط دستگاه‌های سرکوب رژیم مطلقه فقهاتی سرکوب شدند. این موضوع برای ما آشکار می‌کند که مکانیزم حرکت خیزشی دانشجویان در ۱۸ تیرماه ۷۸، ناشی از تجربه خیزشی موج اول دوران هاشمی رفسنجانی بود، که البته در دی‌ماه ۹۸ و

آبان‌ماه ۹۸ و پائیز ۱۴۰۱ ادامه همین روند مبارزه بوده است.

به لحاظ شرایط عینی و ذهنی خیزش ۱۸ تیرماه ۷۸، لازم به ذکر است که جامعه بزرگ و رنگین کمان ایران، در زمان اعتلای خیزش ۱۸ تیر دانشجویی، شرایط عینی جامعه، ادامه وضعیت عینی دولت هاشمی رفسنجانی بود، که آنچنانکه فوقاً مطرح کردیم، برای نخستین بار در رژیم مطلقه فقه‌ای بستر ساز اعتلای خیزشی در ده شهر و بزرگ و کوچک شده بود. البته در سال ۱۳۷۶ که هاشمی رفسنجانی پاستور را تحویل سید محمد خاتمی داد، او با شعار اصلاحات سیاسی وارد گود شده بود، نه اصلاحات اقتصادی، اگرچه فضای سیاسی دولت خاتمی زمینه ذهنی تکوین خیزش ۱۸ تیر ۷۸ گردید، اما با سرکوب این خیزش توسط حزب پادگانی خامنه‌ای، دولت سید محمد خاتمی در این رابطه به حمایت از خامنه‌ای پرداخت، و در سخنرانی که او در دانشگاه همدان کرد گفت: «من افتخار می‌کنم که در سرکوب این فتنه، در کنار رهبر انقلاب بودم»، یکدستی دولت خاتمی با حزب پادگانی خامنه‌ای در سرکوب خیزش ۱۸ تیر مشخص گردید.

در خصوص آسیب‌شناسی قیام ۱۸ تیر ۷۸، «اگر چه کنش‌گران این خیزش، حرکتی خودجوش و تکوین یافته از پائین داشتند، ولی فاقد سازماندهی و رهبری دینامیک جمعی تکوین یافته از پائین بودند» در نتیجه همین امر باعث گردید که:

اولاً این خیزش نتواند بیش از ۶ روز دوام پیدا کند.

ثانیاً در حداقل زمان ممکن حرکت خود را رادیکالیزه کردند و شعار آنتاگونیست «مرگ بر خامنه‌ای» مطرح کردند.

ثالثاً همین امر باعث گردید که ساختار قیام ۱۸ تیر دانشجویان، صورت خیزشی پیدا کند، نه جنبشی. آن هم خیزشی بدون رهبری و بدون سازماندهی.

رابعاً همین جوهر حرکت خیزشی آنها باعث گردید که حرکت‌شان در طول ۶ روز مبارزه «بدون افق سیاسی و تاکتیک و استراتژی مشخص» باشد.

خامساً بدون سازماندهی و بدون رهبری و بدون افق روشن و پایگاه توده‌ای و شعارهای سرنگون‌طلبانه، این همه باعث گردید که حزب پادگانی خامنه‌ای در مدت ۶ روز این قیام بزرگ را تار و مار کند. هر چند از قیام و خیزش بزرگ تیرماه ۷۸ دانشجویان مدت ۲۶ سال و از کودتای سیاه فرهنگی خمینی ۴۵ و از افتتاح دانشگاه پس از کودتای فرهنگی خمینی مدت ۴۲ سال می‌گذرد، «جنبش دانشجویی ایران، همچنان از بیماری مهلک عدم سازماندهی و عدم رهبری دینامیک رنج می‌برد، قطعاً تا زمانیکه جنبش دانشجویی از این رنج مهلک نجات پیدا نکند، راه پیروزی در جنبش ضد استبدادی برای آنها وجود ندارد.»

لهذا، جنبش پیشگامان مستضعفین ایران، جهت رهائی جنبش دانشجویی از این دردهای مهلک، حداقل پیشنهادش این است که، «جنبش دانشجویی با تشکل‌های دموکراتیک جامعه ایران، مثل جنبش معلمان، جنبش

کارگران پیوند دموکراتیک پیدا کنند.»

در خاتمه برای گرامیداشت کنش‌گران قیام ۱۸ تیرماه ۷۸ دانشجویی، شعری از سایه تقدیم آنها می‌کنیم.

باز شوق یوسفم دامن گرفت	پیر ما را بوی پیراهن گرفت
ای دریغا نازک آرای تنش	بوی خون می‌آید از پیراهنش
ای برادرها خبر چون می‌برید؟	این سفر آن گرگ یوسف را درید
یوسف من پس چه شد پیراهنت؟	بر چه خاکی ریخت خون روشنت
بر زمین سرد خون گرم تو	ریخت آن گرگ و نبودش شرم تو
تا نپنداری زیادت غافلم	گریه می‌جوشد شب و روز از دلم
داغ ماتم‌هاست بر جانم بسی	در دلم پیوسته می‌گرید کسی
در بهار عمر ای سرو جوان	ریختی چون برگریز ارغوان
ارغوانم ارغوانم لاله‌ام	در غمت چون می‌چکد از ناله‌ام
آن شقایق رسته در دامان دشت	گوش کن تا با تو گوید سرگذشت
نغمه ناخوانده را دادم به رود	تا بخوانم با جوانان این سرود
چشمه‌ای در کوه می‌جوشد	منم کز درون سنگ بیرون می‌زنم
از نگاه آب تابیدم به گل	وز رخ خود رنگ بخشیدم به گل
پر زدم از گل به خوناب شفق	ناله گشتم در گلوی مرغ حق
پر شدم از خون بلبل لب به لب	رفتم از جام شفق در کام شب
آذر از سینه من روشن است	تند توفنده فریاد من است
هر کجا فریاد آزادی منم	من در این فریادها دم می‌زنم

پایان

«حقیقت دموکراسی»

«حقیقت سوسیالیسم» و

«حقیقت جامعه مدنی»

سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای باید ذره ذره ساخته بشود» بلکه مقصود آن است که بگوییم «دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای ی‌ک‌روند پر فراز و نشیب می‌باشد» زیرا قبل از همه پیشگامان (در بستر استراتژی آگاهی‌بخش جنبش پیشگامان مستضعفین ایران) باید تلاش کنند «با تحول عظیم فرهنگی تکوین یافته از پایین رویکرد و طرز فکر آحاد جامعه ایران را متحول سازند و با تغییر طرز فکر آحاد جامعه شرایط ذهنی جهت سازمان‌یابی جامعه بزرگ ایران در بستر جنبش‌های مطالبه‌محور صنفی و مدنی و سیاسی فراهم بکنند.»

لازم به ذکر است که اگر پیشگامان در عرصه استراتژی آگاهی‌بخش جنبش پیشگامان مستضعفین ایران نتوانند جامعه بزرگ ایران را قادر به فکر کردن بکنند و نتوانند با سازمان‌یابی در بستر شرایط

برای فهم این مهم کافی است که بدانیم که «بدون تحلیل مشخص از نظام سرمایه‌داری رانتی و نفتی و فقه‌تی و بدون تحلیل مشخص از رژیم مطلقه فقه‌تی حاکم هرگز و هرگز نخواهیم توانست با رویکرد تطبیقی دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای را در جامعه بزرگ ایران به‌صورت سلبی و ایجابی پیاده بکنیم». لذا از اینجا است که می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که «دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای به‌عنوان گفتمان و مانیفست و برنامه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جنبش پیشگامان مستضعفین ایران موضوعی واقعاً پیچیده‌است». زیرا در این چارچوب جنبش پیشگامان مستضعفین ایران هرگز «به دنبال ساختن جامعه‌ای خیالی و اتوپیایی در جامعه بزرگ امروز ایران نمی‌باشد بلکه برعکس جنبش پیشگامان مستضعفین ایران با تکیه‌بر برنامه حداکثری دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای خود به‌دنبال استحاله همین جامعه امروز ایران توسط تحول ساختاری اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به‌صورت سلبی و ایجابی می‌باشد». همچنین در همین رابطه است که باید بگوییم که جنبش پیشگامان مستضعفین ایران در کادر برنامه حداکثری دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای خود هرگز به‌دنبال آن نیستیم که «مانند سوسیال دموکراسی برنشتینی به بزرگ کردن سرمایه‌داری کینزی بپردازیم.»

پر واضح است که هرگز «بدون شیوه دموکراتیک و دینامیک تکوین یافته از پایین نمی‌توانیم برنامه حداکثری دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای خود را در جامعه بزرگ ایران را عملیاتی بکنیم» بنابراین در همین رابطه است که باید عنایت داشته‌باشیم که «دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای (به‌عنوان برنامه حداکثری جنبش پیشگامان مستضعفین ایران) ی‌ک‌روند طولانی‌خواهد بود». البته این طولانی بودن روند به‌معنای آن نیست که بگوییم «دموکراسی

ذهنی جامعه بزرگ ایران را دارای پتانسیل اداره جامعه به دست خود بکنند و نتوانند جامعه را به صورت مشخص و کنکرت بشناسند و تحلیل مشخص و کنکرت از وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و حتی جغرافیایی و زیست محیطی و غیره جامعه بزرگ ایران نداشته باشند به هیچ وجه نخواهند توانست در راستای بسترسازی برنامه حداکثری دموکراسی سوسیالیستی سه مؤلفه‌ای خود گام بردارند.

۱۹ - جان استوارت میل می‌گوید: «در اروپا مردم اول لیبرال شدند و بعد از آن بود که لیبرالیسم در اروپا حاکم شد» بنابراین ما می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که «ملت استبدادزده هم حاکمیت استبدادی را خود به دست می‌آورد» و «جامعه دموکرات هم رهبری دموکراتیک را خود به دست می‌آورد» و باز در همین رابطه است که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تا زمانی که «توسط تحول فرهنگی از پایین جامعه ایران را نتوانیم از استبدادزدگی و فقه‌زدگی و تصوف‌زدگی نجات بدهیم هر گونه تحول و انقلاب و اصلاحات سیاسی از بالا محکوم به شکست و بازتولید استبداد در شکلی مخوف‌تر از گذشته خواهد بود.»

پر واضح است که «بازتولید استبدادی مخوف‌تر از گذشته در جریان انقلاب سال ۵۷ در کادر نظریه استبدادساز ولایت فقیه خمینی مولود همین روحیه اجتماعی استبدادزده و فقه‌زده و تصوف‌زده جامعه بزرگ ایران بوده است». بدون تردید اگر در سال ۵۷ مردم ایران توسط یک تحول عظیم فرهنگی می‌توانستند نسبت به روحیه استبدادزدگی و فقه‌زدگی و تصوف‌زدگی قبلی خود، تحولی دموکراتیک از پایین پیدا کنند هرگز خمینی و حواریون او نمی‌توانستند خشن‌ترین و

هولناک‌ترین استبداد دو مؤلفه‌ای دینی و سیاسی بر جامعه نگون‌بخت ایران تحمیل و تزریق نمایند. مع الوصف در همین رابطه است که ما بر این باوریم که «بدون دموکراسی اجتماعی نه تنها دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی در جامعه ایران قابل نهادینه شدن نمی‌باشد بلکه مهم‌تر از آن اینکه اصلاً جامعه ایران نمی‌تواند روحیه و فرهنگ استبدادزده و فقه‌زده و تصوف‌زده گذشته خودش را هم دمکراتیزه کند. تا پتانسیل و ظرفیت نهادینه کردن دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی و استبدادستیزی به صورت ایجابی و سلبی پیدا کند.»

علی‌ایحال آنچه به صورت فرموله شده می‌توان در این رابطه جمع‌بندی کرد اینکه:

الف - نظریه ولایت فقیه خمینی به علت دو مؤلفه‌ای بودن مبانی آن (یعنی مؤلفه استبداد سیاسی و مؤلفه استبداد دینی) هولناک‌ترین نظریه استبداد سیاسی - فقهی تاریخ ایران در بستر فقه و کلام دگماتیست حوزه‌های فقه‌ای می‌باشد. اضافه کنیم که در این نظریه استبدادساز فقه‌ای «تئوری استبداد سیاسی در بستر تئوری استبداد دینی تعریف شده است نه برعکس» لهذا همین امر باعث گردیده که «بدون نبرد همه جانبه گفتمان دینی - سیاسی در بستر یک تحول عمیق فرهنگی تکوین یافته از پایین و در کادر اسلام تطبیقی و بازسازی شده معلمان کبیرمان محمد اقبال لاهوری - شریعتی امکان به چالش کشیدن استبداد دو مؤلفه‌ای سیاسی و فقه‌ای در عرصه نظر و عمل در جامعه بزرگ ایران وجود نداشته باشد.

ب - خمینی از سال ۶۵ به بعد با نهادینه و تثبیت شدن رژیم مطلقه فقه‌ای حاکم و سر

بود. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ.

د - در چارچوب نظریه استبدادساز ولایت فقیه خمینی بود که روحانیت حوزه‌های فقهی شیعه برای اولین بار مدعی شدند که ما می‌خواهیم حکومت کنیم (یادآوری می‌کنیم که نظریه استبدادساز ولایت فقیه خمینی همان سخنرانی‌های خمینی می‌باشد که او طی ۱۳ جلسه از اول تا بیستم بهمن ماه سال ۴۸ در مسجد شیخ مرتضی انصاری نجف در عراق مطرح کرد که بعداً جلال الدین فارسی آن را به‌صورت کتاب فعلی ولایت فقیه درآورده‌است) باری «تا قبل از طرح نظریه استبدادساز ولایت فقیه خمینی روحانیت حوزه‌های فقهی شیعه در رابطه با کسب قدرت سیاسی و حکومت مدعی بودند که حکومت و قدرت سیاسی باید زیر دست ما باشد نه در دست ما» اما «با نظریه استبدادساز ولایت فقیه خمینی او و روحانیت حواریونش در حوزه‌های فقهی تمام زین خودشان را جهت سوار شدن بر قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی و قدرت معرفتی مردم نگون‌بخت ایران رکاب کردند». علی‌هذا همین امر باعث گردید که:

اولاً برای رژیم مطلقه فقهاتی حاکم و روحانیت حواریون خمینی «استبداد سیاسی اگر فقهی و فقهاتی بشود هر قدر هم که هولناک و خشن هم باشد امر مشروع می‌باشد».

ثانیاً خمینی در نظریه ولایت فقیه خودش «ولایت سلطانی شاه در تاریخ گذشته استبدادزده مردم ایران با ولایت فقیه حوزه‌های فقهی پیوند داد و توسط آن توانست بین استبداد دینی و استبداد سیاسی پیوند نظری و عملی ایجاد نماید» ●

ادامه دارد

کوب همه نیروهای آلترناتیو این رژیم جهت بیمه کردن رژیم مطلقه فقهاتی حاکم (در فرایند پسا وفاتش) بر دو موضوع محوری تکیه کرد:

اول - طرح اصل قدرت مطلقه فقهاتی ولایت در بازسازی قانون اساسی ولایتمدار این رژیم.

دوم - مطرح کردن نظریه مصلحت‌نظام (به‌عنوان اوجب الواجبات) در کنار قدرت مطلقه فقیه که البته در سال ۶۸ هر دو محور فوق در کنار هم در بازسازی قانون اساسی رژیم مطلقه فقهاتی حاکم نهادینه شدند و در طول بیش از سه دهه گذشته عمر رهبری خامنه‌ای این دو مؤلفه در پیوند با یکدیگر عمل کرده‌اند و همین امر باعث پیچیدگی ساختاری رژیم مطلقه فقهاتی حاکم چه در عرصه استبداد دینی و چه در عرصه استبداد سیاسی شده‌است.

ج - در چارچوب محور ولایت مطلقه فقیه علاوه بر اینکه مقام ولی فقیه در رژیم مطلقه فقهاتی حاکم بالای هر گونه قانون و غیر پاسخگوی به مردم قرار گرفت، موضوع «عدالت در رابطه با این ولی فقیه و رای قانون و غیر پاسخگو به مردم هم به این صورت درآمد که هر گونه کاری که ولی فقیه و رای قانون بکند، عدالت است نه هر کاری که عدالت است ولی فقیه باید انجام بدهد» به‌بیان دیگر با طرح قدرت مطلقه و رای قانون ولایت فقیه در بازسازی قانون اساسی ولایتمدار رژیم مطلقه فقهاتی توسط خمینی «عدالت با کار ولی فقیه تعریف می‌شود نه برعکس» که البته همین موضوع عامل آن شده‌است که در طول ۴۲ سال گذشته عمر رژیم مطلقه فقهاتی حاکم انجام هر گونه جنایتی برای این رژیم مباح بشود که یک نمونه آن کشتار جمعی هزاران زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ با فتوای دو خطی خمینی

«سوره شوری» تبیین مبانی

«عدالت‌محور» و «شوری‌محور» اسلام قرآنی

در بستر جنبش رهایی‌بخش پیامبر اسلام

بر پایه «وحی نبوی»

«وَأَمَرْتُ لَأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»، «وَأَمَرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ - فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا...»
- و این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شمایم ولی شما امر خود را در بین خود تکه تکه کردید؛ و باز در آیه ۱۹ سوره آل عمران بر این امر تأکید شده است و می‌گوید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...»
به‌درستی که دین نزد خدا تنها اسلام است، ولی اهل کتاب در آن اختلاف کردند با اینکه علم به آن داشتند، ولی به‌خاطر دشمنی با یکدیگر این اختلاف را در دین واحد خدا راه دادند.

رابعاً در قسمت آخر آیه ۱۳ سوره شوری قرآن می‌گوید:
«اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ

لذا در این رابطه است که در آیه ۱۳ سوره شوری، قرآن می‌گوید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» این آیه به صراحت مطرح می‌کند که «دین در وحی نبوی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام یک دین بوده است اما شریعت در وحی نبوی آنها پنج شریعت بوده است» و به همین دلیل «در این آیه از ادیان به‌عنوان جمع دین استفاده نشده است»؛ و از «عمل به دین در این آیه با عنوان «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» یاد شده که به‌معنای برپایی دین می‌باشد نه اجرای احکام فقهی که موضوع شریعت است»؛ و آیه تأکید می‌کند که «به اصحاب نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام ما (خداوند) تأکید کردیم که در عرصه دین تفرقه نکنند» بنابراین آنچه که از این بیان قرآن برای ما قابل فهم است، اینکه «دین وجه مشترک جوهر پنج وحی نبوی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام است که آنها در عمل به این وجه مشترک نباید دچار تفرقه بشوند»؛ و همه آنها موظف هستند که «این وجه مشترک را به پا دارند».

پر واضح است که این وجه مشترک پنج گانه وحی نبوی پیامبران اولوالعزم «چیزی جز همان اصول دین یعنی توحید و نبوت و معاد نمی‌باشد». هر چند که شرایع یا احکام در این پنج شریعت با هم تفاوت دارند؛ و البته این موضوع در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره مؤمنون هم تأکید شده است:

مَنْ يَنْبِ» که اشاره به این می‌شود که خداوند در عرصه ایمان به دین بی‌نیاز از ایمان مشرکین است، چرا که این‌ها از ایمان آوردن استکبار می‌ورزند و لهذا خداوند هر که را که بخواهد به دین توحید هدایت می‌کند.

خامسا در آیه ۱۴ سوره شوری که می‌گوید:

«وَمَا تَفْقَهُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ» یعنی زمانی پیروان شرایع پنج گانه در امر دین واحد گرفتار تفرقه شدند که ظلم در جوامع آنها حاکم شد و توحید و عدالت از جوامع آنها رخت بر بسته‌بود.

یادآوری می‌کنیم که آنچنانکه قبلاً در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره مطرح کردیم، «در رویکرد قرآن این اختلاف مربوط به اختلاف در دین توسط روحانیت وابسته به دین پس از بعثت پیامبران الهی در جهت رفع اختلاف اول شکل گرفته است». علی‌ایحال، آنچه در آیه ۱۳ سوره شوری مطرح می‌شود، «مربوط به اختلاف در دین است که به‌علت حاکمیت ظالمین یا اهل بغی بر جامعه شرایط برای اختلاف در دین حاصل شد». زیرا آنچنانکه قبلاً هم مطرح کردیم، «با حاکمیت نظام ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بر جوامع، آن‌ها برای نهادینه کردن نظام باطل خود بر مردم راهی جز این نداشتند جز اینکه توسط آسمانی جلوه دادن نظام فاسد خود توسط دین دست‌ساز خودشان برای خودشان مشروعیت آسمانی کسب کنند». لهذا، از اینجا بود که «آن‌ها در راستای به استخدام در آوردن دین مردم به نفع خود در

آن دین‌ها انشعاب و اختلاف ایجاد کردند.» مع‌الوصف از اینجا است که قرآن در آیه ۴۷ سوره یونس در خصوص هدف رسالت انبیاء الهی می‌گوید:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ...» - برای هر امتی رسولی است، پس همین که رسول‌شان می‌آمد، در بین آنها قسط و عدالت بر پا می‌کردند.

باری، طبق آیات قرآن، «حیات و حرکت نبوی پیامبران الهی از آغاز تا انتها در عرصه جامعه و مبارزه با نظام باطل و ظالمانه حاکم بر جامعه و در حمایت از منافع پائینی‌ها جامعه بوده است». تا آنجا که در این رابطه قرآن در آیات ۱۱۱ - ۱۱۳ سوره شعراء در نقل گفتگوی بین نوح با بالایی‌های قدرت سه مؤلفه‌ای حاکم می‌گوید:

«... أَنْتُمْ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ - قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ - آیا به تو ایمان بیاوریم در حالی که عده‌ای بی‌سرو پا پیرو تو شده‌اند. نوح در پاسخ به آنها گفت: مرا چه کار که افعال و احوال درونی پیروانم بدانم. حساب کار آنها بر کسی جز خدا نخواهد بود.»

بنابراین، در این رابطه است که در آیه ۱۵ سوره شوری قرآن خطاب به پیامبر اسلام «شیوه مبارزه با بالایی‌های قدرت اینچنین آموزش می‌دهد: «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» - (ای پیامبر اسلام) تو دعوت کن و در دعوت استقامت بورز و

مقاومت بکن و دنبال هواهای آنان (بالایی‌های قدرت) مرو و به آنان (بالایی‌های قدرت) بگو من خود به آنچه خدا از کتاب بر من نازل کرده ایمان دارم و مأمور شده‌ام بین شما عدالت برقرار کنم و الله پروردگار ما و شما است، نتیجه اعمال ما عاید خود ما می‌شود و از شما هم عاید خودتان، هیچ حجتی بین ما و شما نیست، خدا بین ما جمع می‌کند و حرکت و شدن ما به‌سوی اوست» (سوره شوری - آیه ۱۵).

باری، اصول محوری که آیه ۱۵ سوره شوری برای آموزش پیامبر اسلام در بستر حرکت رهایی‌بخش ۲۳ سال مکی و مدنی تعریف می‌نماید و بدون تردید این اصول محوری منشور حرکت پیامبر اسلام و مسلمانان پیرو او تا آخر بوده و هست و همچنان این منشور حرکت باید منشور حرکت تمامی مسلمانان پیرو پیامبر اسلام باشد عبارتند از:

الف - استراتژی مبارزه تو تا انتها «دعوت» است، «فَلِذَلِكَ فَادُعْ - پس تو فقط دعوت کن.»
ب - در بستر استراتژی دعوت «مقاومت» کن، «وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ.»

ج - در عرصه استراتژی دعوت خود، خواسته‌های بالایی‌های قدرت را دنبال مکن. «وَلَا تَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ.»

د - در بستر استراتژی دعوت به آنان (بالایی‌های قدرت) بگو که «من فقط ایمان به وحی نازل شده بر خود دارم» (نه به حرف‌های شما) «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ.»

ه - همچنین در استراتژی دعوت پیوسته اعلام

کن که «من آمده‌ام تا بین شما برابری و مساوات بر پا کنم»، «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ.»

و- در استراتژی دعوت، شعار استراتژیک تو باید بر پایه «الله» باشد، «اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ - الله تنها پروردگار ما و شما است.»

ز - معیار اخلاق و ارزشی در استراتژی دعوت تو برای هر کس «فقط عمل اوست نه ادعای او»، «لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ.»

ح - در استراتژی دعوت حقیقت و اصول نباید قربانی مصلحت بشود یعنی هیچ حجت دیگری بین شما غیر از اصول وجود ندارد، «لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ.»

ط - در استراتژی دعوت اعلام کن که چون خدا «الله» و رب و ملک همه ما است، پس اوست که عامل همبستگی ماست و می‌تواند همه ما را به وحدت و همبستگی برساند؛ «اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا.»

ی - در استراتژی دعوت پیوسته اعلام کن که حرکت و شدن ما به‌سوی اوست. «وَالْيَهُ الْمَصِيرُ.» ●

ادامه دارد

«فهم و شناخت تطبیقی نهج البلاغه»

برای

«فهم و شناخت تطبیقی قرآن»

۲۶

برای مردم کار کنند و کسی و یا کسانی که برای مردم کار نمی‌کنند و برای شخصیت مردم احترام قائل نیستند و حقوق مردم را رعایت نمی‌کنند و عدالت را در تمامی عرصه به پا نمی‌دارند از نظر امام‌علی ادعای آن‌ها نسبت به اعتقاد و ایمان به خداوند باطل می‌باشد». لذا در همین در چارچوب است که امام‌علی در فرمان معروف خود به مالک‌اشتر که سید رضی در جزء دوم تحت عنوان نامه شماره ۵۳ نهج‌البلاغه آورده است خطاب به مالک‌اشتر می‌فرماید: «... وَ أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تُكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ...» - ای مالک در قلب خود پیوسته و مدام محبت و عشق به مردم را بیدار کن، مبادا تو با مردم مانند یک حیوان درنده برای دریدن و سرکوب کردن رفتار بکنی چراکه مردم یا انسان‌های ممنوع تو هستند و یا برادران

باری آنچه که از عبارات نامه فوق امام‌علی به متصدیان امور مالیاتی‌اش برای ما قابل فهم است این که:

اولاً «مخاطب امام‌علی در این نامه یا بخشنامه یک فرد نیست بلکه آنچنان که از عنوان نامه هم بر می‌آید برای کسانی است که مأموریت جمع‌آوری زکات یا مالیات یا خراج داشته‌اند می‌باشد». بی‌تردید در این نامه «هدف امام‌علی تبیین عدالت حقوقی یا عدالت مالیاتی در جامعه بوده است» و لذا به همین دلیل است که سید رضی آن را در ردیف نامه‌های نهج‌البلاغه آورده است و می‌گوید ما این قسمت را در اینجا می‌آوریم تا دانسته شود علی (ع) حق و عدالت را چگونه به پا می‌داشته است و چگونه امام‌علی عدالت را چه در کارهای بزرگ و چه در کارهای کوچک منظور می‌داشته است.

ثانیاً نگاهی هرچند اجمالی به این نامه یا به عبارت بهتر به این بخشنامه «رویکرد امام‌علی به همه مردم و همه افراد جامعه به صورت علی السویه مشخص می‌سازد» چراکه «تکیه محوری امام‌علی در این بخشنامه بر اجرای عدالت و مهربانی متصدیان امور مالیاتی با مردم و محترم شمردن شخصیت مردم و رعایت همه‌جانبه حقوق مردم می‌باشد.»

ثالثاً در این بخشنامه امام‌علی مانند دیگر نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی‌اش که در نهج‌البلاغه آماده است، «متصدیان امور را به عدل و انصاف و رعایت همه‌جانبه حقوق مردم دعوت می‌کند» و به آنان پیوسته تذکر می‌دهد که «کسانی که برای خود کار می‌کنند باید

دینی تو می باشند و فرقی میان این دو دسته از مردم نباید گذاشته شود» (نهج البلاغه صبحی صالح - جزء دوم - نامه ۵۳ - ص ۴۲۶ تا ۴۴۵) و باز در جای دیگر فرمان به مالک اشتر امام علی خطاب به مالک اشتر می فرماید:

«... وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْعَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مِنْهُكَ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ...» - ای مالک مبادا بگویی که من اکنون چون بر مردم مسلط شده ام از من فرمان دادن است و از آن ها اطاعت کردن، این رویکرد باعث فساد در دل و ضعف در دین و نزدیک شدن به دشمنان مردم می شود» و همچنین در همین فرمان به مالک اشتر است که امام علی خطاب به او می گوید: «... فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرِعِيَّتِكَ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا...» - مالک! عملکرد تو باید طوری باشد که اعتماد مردم به تو جلب شود زیرا اعتماد مردم به تو می تواند سختی کارها برای تو سبک نماید.»

رابعاً امام علی در ابتدای نامه ۲۵ و یا در بخشنامه به متصدیان امور حقوقی و مالیاتی خود می گوید: «مبادا مردم را ارباب بکنید و مبادا از مردم بیشتر از حقی که به اموال آن ها تعلق می گیرد مالیات بگیرید و مبادا شما برای گرفتن مالیات مانند مهاجمین بر آن ها وارد بشوید و مبادا وقتی که مردم گفتند حقی برای شما وجود ندارد شما سخن آن ها را قبول نکنید و قول آن ها را محترم نشمارید و مبادا مانند فرمانروایان ستمکار برای گرفتن مالیات در دل مردم رعب و ترس ایجاد کنید و از اختیارات خود سوء استفاده کنید و بدون

رضایت صاحبان مال وارد زندگی و کار و زمین و گله گوسفندان و شتران و غیره بشوید مردم را نترسانید و به آینده شان بدبین نکنید و بر آن ها سخت نگیرید و تکلیف شاق و سخت بر آن ها محول نکنید مانند زورمداران و ستمکاران بر آنان وارد نشوید.»

خامساً امام علی در این بخشنامه خود به متصدیان امور حقوقی و امور مالیاتی حتی در باب رعایت حقوق حیوان ها و رعایت عدالت در باب آن ها دستورهای مشخص صادر می کند و می گوید: «از آزدن حیوانات خودداری کنید مبادا بین شهرها و بچه های شان فاصله ایجاد کنید، تمام شیر مادر آن ها را بدوشید و برای بچه های آن ها شیر در پستان مادرشان نگذارید، مبادا زیاد از حد از شتران سواری بگیرید، مبادا حد اعتدال برای آن ها رعایت نکنید.»

چهارم - در نامه شماره ۵۰ نهج البلاغه امام علی در خصوص عدالت حکومت می فرماید: «مَنْ عُبِدَ اللَّهُ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَصْحَابِ الْمَسَالِحِ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُعَيِّرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ وَ لَا طَوْلٌ خُصَّ بِهِ وَ أَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ وَ عَطْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَ لَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَ لَا أُؤَخِّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَ لَا أَقِفَ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لِلَّهِ عَلَيْكُمُ النِّعْمَةُ وَ لِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ وَ أَلَّا تَتَكَبَّرُوا عَنْ دَعْوَةٍ وَ لَا تَقْرَظُوا فِي صَلَاحٍ وَ أَنْ تَحْضُوا الْعَمَرَ إِلَى الْحَقِّ فَإِنَّ أَنتُمْ لَمْ تَسْتَقِيمُوا إِلَى عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَىَّ مِمَّنْ أَعُوْجَ مِنْكُمْ ثُمَّ أَكْثَرُ لَكُمْ الْعُقُوبَةُ وَ لَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُحَصَةً فَخُذُوا هَذَا مِنْ أَمْرَاتِكُمْ وَ أَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا يُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ وَ السَّلَامُ» - این نامه از بنده خدا علی بن ابیطالب

به مرزبان است؛ اما بعد بر حاکم لازم است که به خاطر امتیازی که نائل گشته است و یا به خاطر نعمتی که به او اختصاص یافته است آن نعمت و امتیاز باید باعث گردد تا وسیله نزدیکی بیشتر بین حاکم و مردم بشود لذا حاکم نباید بر مردم تندی بکند و نباید بر زیردستان فخر بفروشد. آگاه باشید که حقی که شما بر من دارید این است که هیچ رازی را از شما مخفی ندارم مگر در مسائل اسرار مربوط به جنگ و هیچ کاری را بدون مشورت شما انجام ندهم و شما را از اظهار نظر در هیچ امری کنار زنم و در رساندن هیچ حقی به موقع خود کوتاهی نکنم و تا پایان آن حق بایستم. آگاه باشید که تمام شما در نزد من از حق و حقوق مساوی برخوردار می باشید پس اگر رفتار من با شما این چنین بود نعمت خداوندی برای شما تثبیت شده و من حق اطاعت و فرمانبری بر شما دارم، لذا در آن صورت از هر دعوتی که از شما بکنم شما نباید عقب نشینی بکنید و در اموری که به صلاح شماست نباید هرگز کوتاه بیایید و شما باید در راه حق و حقوق تان شداید و سختی ها را تحمل بکنید شما این پیمان را از فرماندهان خود بگیرید و از طرف خود نیز چنین قولی به آنها بدهید که اصلاح امور شما را خداوند در این قرار داده است» (نهج البلاغه صبحی الصالح - جزء دوم - نامه شماره ۵۰ - ص ۴۲۴)

- سطر ۱ به بعد).

شرح لغات:

احتجز: منع کرد.

نکوص: به عقب برگشتن.

غمره: سختی.

باری در خصوص آنچه که امام علی به وضوح در عبارات نامه ۵۰ نهج البلاغه بر آن تأکید می نماید باید بگوییم که:

اولاً امام علی در آغاز این نامه بر این امر تأکید می ورزد که «حکومت و قدرت سیاسی باید در دست حاکمین برای پیوند و نزدیکی حاکمین با مردم باشد» و همچنین باید در راستای «مهربانی حاکمین با مردم باشد» و لذا به همین دلیل است که امام علی در پاراگراف اول این نامه می فرماید:

«لازم است که حاکم و والی مردم هر گاه امتیازی کسب می کند و به افتخاری نائل می شود آن فضیلت ها و موهبت ها او را عوض نکند و رفتار او را با مردم تغییر ندهد بلکه برعکس باید این نعمت ها و موهبت ها او را بیشتر به مردم نزدیک و مهربان تر گرداند.» ●

ادامه دارد

وب سایت:

www.pm-iran.org

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com